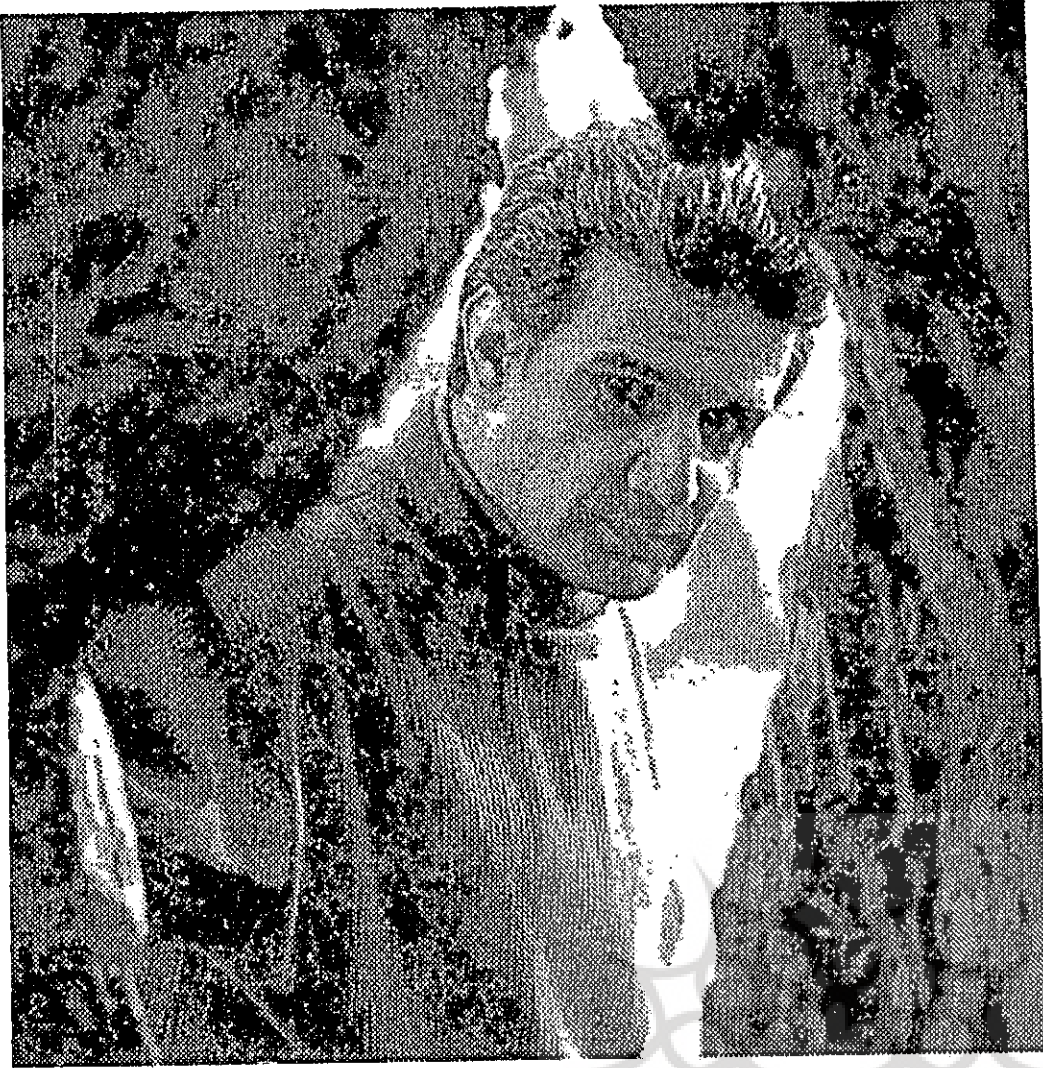


سینمای معصومیت، و نه سینمای مهارت

گفتگو با مهدی هاشمی، بازیگر



□ با تئاتر کار هنری خود را شروع کرده‌اید. در آنجا هم کمدی بازی می‌کردید؟

بله

□ چرا کمدی؟

■ برای اینکه روحیه، وضعیت بدنی، لحن و رفتار من بیشتر با بازی در نمایش‌های طنزآمیز سازگار بود از طرفی آثار برنارد شو - برشت - ماکس فریش تورنتون وایلد و بزرگانی از این دست را دوست داشتم بازی کنم احساس می‌کردم بازی کردن در آثار طنزآمیز با یک نوع فاصله‌گذاری همراه است - من به اضافه نقش - این من هستم که این نقش را برای شما بازی می‌کنم - این به من نشاط می‌داد و احساس می‌کردم مسئول نقش هستم و در قبال اجرای نقش مسئولیت دارم و برای منظور خاصی بازی می‌کنم. در ضمن خنداندن تماشاچی یک مسئله مهم فکری را یا او در میان می‌گذارم و از این قبیل ... در این میان بازی در نمایش مرگ یزدگرد اثر بهرام بیضایی یک استثنا بود، چون در آنجا از سر اتفاق بازی کردم دو هفته مانده به اجرای نمایش بازیگر اصلی به دلایلی کنار رفت و من بجای او وارد شدم. بعدش هم به فیلم درآمد.

و اما در کارگردانی برعکس به آثار تراژدی که علاقه داشتم. به صحنه بردن نمایش ادیب شهریار اثر سوفوکل و دو اثر شاعرانه از گارسیا لورکا بنام عروس‌سی خون در سالهای ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ و خانه برنارد آلبا نشانگر این تمایل است.

□ یک بازیگر کمیک چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

■ همان مشخصاتی را که چارلی چاپلین و باستر کیتون، لورل و هاردی، ژاک تاتی، مل بروگی، وودی آلن، جری لویس، نورمن ویزدم، لویی دوفون، توتو، فرناندو، گلدی هاون، شرلی مک‌لین، ادی سورفی، جک لمون، و ... داشتند و دارند. و از کشور خودمان مرحوم تفکری، ارحام صدر، نصرت کریمی، صیاد، غبیدی، خمسه، و خانم معتمدآریا و چند بازیگر دیگر که در حال حاضر بیاد ندارم. داشتند و دارند.

□ شما بازیگران سینمای خودی را در ردیف بازیگران کمدی جهان قرار داده‌اید؟

■ بیاد داشته باشیم که اکثر آن بزرگان، خودشان مؤلف و کارگردان آثار خود بوده‌اند و دیگرانی که فقط بازی کرده‌اند کارگردانان. خمیره‌ای آنها را رهبری کرده است - در ایران جز در دو سه مورد که بازیگر کمدی مؤلف آثار خود بوده‌اند باقی فقط بازی کرده‌اند آنها با کارگردانی که در کار کمدی وارد نبوده‌اند بنابراین توان بازیگر را نباید با حضور در فیلمهای بد تادیده گرفت.

□ گفته می‌شود برخی بازیگران در شکل کار هنری یا قالب کاری محدود می‌شوند مثل بازیگران سینمای کمدی. بنظر شما این محدودیت مثبت است یا منفی؟

■ در بازیگری کمدی اگر غیر از این باشد اشتباه است برای اینکه بازیگر کمدی سالها طول می‌کشد تا به یک ظاهر مشخص و رفتار مشخص برسد تا با آن شخصیت

سینمایی بتواند حرف بزند. او به وسیله همان شکل و شمایل و رفتار مخصوص به خود می‌تواند تقلید هر کسی را که بخواهد درآورد، عشق بورزد و ریشخند کند. اما هیچوقت مانند بازیگران فیلمهای غیرکمیک و واقعی تمام و کمال در جلده یک فرد عادی نمی‌رود او همیشه و در همه حال خودش است. در جلده شخصیت سینمایی منحصر به فردی که خلق کرده و تماشاگران از دریچه چشم این شخصیت جهان را می‌بینند و می‌خندند، متأثر می‌شوند و به فکر فرو می‌روند. و اگر می‌بینیم در سینمای خودمان یک بازیگر کمدی، خود را تکرار می‌کند و به آخر خط رسیده، این مربوط به سطحی بودن فیلمها، بی‌محتوایی و نبودن ظرافت و دقت و تفکر و ابداع در کار کارگردان و بدنال آن به ناگزیر بی‌مزیگی و لوس‌بازی در حرکات و رفتار و گفتار بازیگر است. اگر نه همان بازی‌های صمدگونه در همان سطح عامه‌پسند خود با همه نارسائی و دور بودن از شاعرانه‌گی و تفکر لازمه غیرقابل قبول نیست.

□ بهترین عامل در موفقیت یک کار کمدی چیست؟

■ هر عاملی که باعث شده فیلم مرفق و خوبی مثل پارتی یا خوشگل ساخته شود.

مسلماً جمع بازیگر و کارگردان و فیلمنامه مطلوب حاصل خوبی خواهد داشت بیلی وایلد به اضافه جک لمون به اضافه شرلی مک‌لین به اضافه یک فیلمنامه‌نویس خوب در شرایط مطلوب می‌شود یک فیلم خوب.

□ در سینمای کمدی کدامیک از اینها از اهمیت بیشتری برخوردارند، بازیگر، کارگردان یا فیلمنامه؟

■ هر سه آنها، در شرایط مطلوب. وگرنه هیچکدام از اینها به تنهایی اهمیتی ندارند.

□ وضعیت سینمای کنونی کمدی را چگونه می‌بینید؟

■ سینمای ما بیشتر سینمای معصومیت شده است تا سینمای مهارت‌ها. معصومیت‌ها که کودکان نماینده‌شان

هستند باعث شهرت سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی شده‌اند. این شهرت و اعتبار جهانی باعث شده هر روز بر تعداد سینماگران طرفدار معصومیت افزوده شود.

و اما توضیح سینمای مهارت‌ها که سینمای کمدی به آن تعلق دارد و از طرفی خود نیز معصوم است و چه حال و وضعی دارد، کمی مشکل است.

آنچه که بر همگان روشن است اینست که در فضای بسیار جدی و سنگین شوخی کردن و دست انداختن و طنزگفتن شاید زیاد برای کارگزاران صورت خوشی نداشته باشد. همچنان که بقول دوستی خیلی‌ها هنوز به بیمار روانی

می‌گویند دیوانه. خیلی از تصمیم‌گیرندگان عمده به سینماگران کمدی ممکن است مستقیم نگویند لوده اما نوع نگاه و تأیید نکردنشان همین معنی را می‌دهد. یعنی بساط رو زیاد بپهن نکن. و در چمن خودت رو لوس نکن. از طرفی به دلیل نگاه حقیرانه به این نوع سینما کارگردانان خوب کمتر به آن پرداخته‌اند. و این عرصه بیشتر مورد سوء استفاده کارگردانان نازل قرار گرفته است. آنها معمولاً سینمای تفریحی برای سطح سلیقه پایین را با سینمای کمدی اشتباه می‌گیرند. و این تا اندازه زیادی باعث بی‌اعتباری این نوع سینما در مملکت شده است.

نمی‌دانم، شاید در این اوضاع خاص باید راه تازه‌ای پیدا کرد. بقول دوستی نشان دادن واقمیت‌ها در این کشور بیشتر ایجاد خنده می‌کند تا بازی کردن. در هر حال آنچه برای من مسلم است اینست که تا تصمیم‌گیرندگان امور سینمایی از سینمای کمدی طرفداری نکنند و کارگردانان ماهر را به این نوع سینما نکشانند، وضعیت سینمای کمدی ما به همین حد نازل خواهد ماند و تک و توک چهره گامگاهی هم کاری از پیش نخواهد برد. ما هر چند سال یک فیلم کمدی نسبتاً خوب داشته‌ایم اما هیچگاه سینمای کمدی نداشته‌ایم و نخواهیم داشت اگر آن را جدی نگیریم.